

وداع ناباورانه ستاره‌های جوان

رفتن بدون خدا حافظی

نه، باور کردنی نبود. اینکه با آن جثه آهنی، پولاد را چون موم در دستانت نرم کنی و چمدان چمدان مدال به سینه بزنی اما ناگهان قلب لاکردار تصمیم بگیرد از حرکت بایستد و شوکی را به جامعه ورزش جهان وارد کند. آخر چه کسی است که بتواند ۳۱۰ کیلو را بایک حرکت بالای سر ببرد و بعد از مهاریک مشت و زنه بی رحم، سوار بر ویلچر بخندد و دنیا را زیبا کند؟ درگذشت ناگهانی سیامند رحمان ابرقهرمان پاراوزنه‌برداری ایران شوک بزرگی بود که کسی آن را باور نداشت. مردی که پولاد سرد هیچ‌گاه حریفش نشد اما دست اجل اجازه نداد تا افسانه هرکول در تاریخ ورزش دنیا تدوم داشته باشد. پسرک خندانی که در شهر کوچک آشنویه در نخستین روز سال ۶۷ چشم به جهان گشود و در همان عنفوان کودکی به فلج اطفال مبتلا شد، قوی تر از آن بود که معلولیت و پولاد سرد راه او باشد. درگذشت ناگهانی او شریک تلخی بود که آرزوی ثبت یک رکورد جاودانه و دست نیافتنی همراه با طلای خوشرنگ توکیو ۲۰۲۰ را بر دل ورزش ایران و البته جهان گذاشت. مرگ ناباورانه سیامند رحمان، دوباره داغ دل ما تازه کرد؛ ورزشکارانی که در عنفوان جوانی ناگهان از دست می‌روند و ورزش را از طنزای خود بی‌نصیب می‌گذارند تا مأموریت آنها ناتمام باقی بماند. سیاهه زیر به بهانه مرگ ناگهانی سیامند، ۱۰ وداع ناباورانه و زود هنگام ستاره‌های ورزش ایران را مرور می‌کند.



سعید آقایی

Saeed Aghaee



مهرداد اولادی

۲

مرگ مهرداد اولادی یکی از رازآلودترین مرگ‌های ناگهانی در ورزش و فوتبال ایران بود. مرگی که البته علت آن به رازهای مگویی پشت پرده بیشتر دامن زد. ستاره ناکامی که حضورش در دو تیم بزرگ پایتخت یعنی پرسپولیس و استقلال، شهرت و البته حواشی مرگ او را بیشتر کرد. مهرداد اولادی در آخرین روز فروردین ۱۳۹۵ در ساعت ۱۴:۵۶ در بیمارستان شهدای تجریش تهران در سن ۳۰ سالگی درگذشت. تلاش پزشکان برای احیای وی ناموفق بود. علت مرگ مهرداد ابتدا ایست قلبی عنوان شد اما چند روز بعد عوامل بیمارستان علت مرگ را مسمومیت دارویی اعلام کردند. او به هنگام مرگ عضو تیم ملوان بود و در رقابت‌های آن هفته لیگ برتر و در بازی ملوان و فولاد، زمانی که قرار بود به زمین برود به سرمربی تیم اعلام می‌کند، توانایی بازی ندارد. او سپس به تهران آمد و از سرمربی تیم اجازه گرفت تا برای درمان در تهران بماند. ظهر فردای آن روز مهرداد اولادی زمانی به بیمارستان تجریش رسید که دیگر کار از کار گذشته بود. وقتی او را به بیمارستان انتقال داده بودند، سطح هوشیاری او محدود صفر بود و از دست پزشکان کاری بر

نمی‌آمد. با اینکه در ابتدا گفته شد اولادی با پای خود به بیمارستان رفته اما مهرداد به هنگام انتقال به بیمارستان جانی در بدن نداشت و با آمبولانس انتقال داده شد و آنقدر دیر بوده که پزشکان نتوانستند برای احیای او کاری کنند و یک ساعت بعد از انتقال به بیمارستان فوت او اعلام شد.

گفته می‌شود مهرداد شب قبل در خواب از هوش رفته و صبح وقتی که سایر حاضران بیدار می‌شوند، مهرداد هنوز خواب است. هر کاری می‌کنند بیدار نمی‌شود و بعد بدن بی‌جان او را به بیمارستان می‌رسانند در حالی که او دیگر جانی در بدن نداشت.



هادی نوروزی

۱

مرگ هادی نوروزی کاپیتان پرسپولیس یکی از شوکه‌کننده‌ترین دوران فوت‌های ناگهانی بود. کاپیتان بی‌هایمو و آرام پرسپولیس که سابقه بازی در باشگاه‌های داماش، پرسپولیس و نفت تهران را داشت، بامداد روز پنجشنبه ۹ مهر ۹۴ در اثر ایست قلبی درگذشت. گفته شد که او ساعت ۴ صبح در خانه و در خواب سگته کرده و انتقال او به بیمارستان هم نتیجه‌ای در پی نداشت.

نزدیک ساعت ۶ صبح که خبر منتشر شد، کسی آن را باور نکرد. آخر مگر می‌شود ورزشکار بود، پسر آرام تیم بود و در سن ۳۰ سالگی سگته کرد؟ ظاهر هادی یک ساعت بعد از خوابیدن دچار مشکل تنفسی می‌شود.

همسرش با پزشک تیم پرسپولیس، میثم علیپور تماس می‌گیرد. علائم طوری بوده که علیپور از همسر نوروزی می‌خواهد او سریع با اورژانس تماس بگیرد. او در این باره گفته: نیمه شب حوالی ساعت ۴ بود که متوجه دشواری تنفس هادی نوروزی شدم. هادی سخت نفس می‌کشید سریع با اورژانس تماس گرفتم و هادی را به بیمارستان رساندیم.

انتقال او به بیمارستان آتیه تهران هم نتیجه‌ای در پی نداشت و هادی قبل از اینکه به اورژانس برسد، فوت کرده بود. پزشکان و متخصصان قلب حمله قلبی حین خواب را علت فوت این بازیکن ۳۰ ساله معرفی کردند. مرگ ناگهانی کاپیتان پرسپولیس شوک بزرگی برای فوتبال ایران بود و تا هفته‌ها همه اتفاقات لیگ را تحت تأثیر خود قرار داد. باشگاه پرسپولیس پس از درگذشت وی شماره ۲۴ که شماره پیراهن نوروزی بود را بایگانی کرد و هواداران این تیم در دقیقه ۲۴ نام او را در ورزشگاه فریاد می‌زنند. هادی عاشق کبوتر جال بود. روستای زادگاهش در بابل که حالا برای همیشه آنجا خوابیده است.



علی فلاحی نژاد

۴

مرگ علی فلاحی نژاد قهرمان متواضع و آرام وزنه‌برداری ایران بی سروصدا رخ داد تا مرگ این ستاره وزنه‌برداری همانند دوران ورزشی‌اش بی‌هایمو باشد. اوچ درخشش فلاحی نژاد طلای قهرمانی جهان ۲۰۰۳ و نیکوور بود که یک مدال بالارزش را به سینه زد. او در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان به مدال برنز رسید و یک مدال نقره از مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۰۳ کینگهوانگداو نیز در کارنامه داشت.

ICU بیمارستان امید اعلام کرد: «بیمار فعلاً با دستگاه تنفس می‌کند و کسانی هم که در این شرایط قرار دارند سطح هوشیاری پایینی دارند. در واقع حال‌شان نه خوب است و نه بد. آنها ممکن است گاهی اوقات هوشیار باشند و گاهی اوقات نه.»

فلاحی نژاد بیش از یک ماه در بیمارستان بستری بود و بعد از تحمل یک دوره بیماری سخت، پراثر نارسایی کلیه در ۲۳ مرداد ۱۳۹۶ در سن ۴۱ سالگی درگذشت و اجل مهلتش نداد در دوران یختگی بتواند به وزنه‌برداری ایران خدمت کند. نزدیکانش اما اعتقاد دارند علاوه بر مشکلات جسمانی، یکی از دلایل فوت فلاحی نژاد افسردگی‌اش بود. او گوشه‌گیر شده بود و در وزنه‌برداری هیچ‌گاه به حرف و نظرش توجهی نشد.

او چند سال بعد از دوران قهرمانی خود به کادر فنی تیم ملی وزنه‌برداری در دوران ریاست حسین رضازاده اضافه شد و حتی مدتی کوتاه در سال ۸۹ سرمربیگری تیم ملی را برعهده گرفت.

به گفته بسیاری از کارشناسان وزنه‌برداری فلاحی نژاد، نقش ویژه‌ای در پیشرفت کبانوش رستمی و بهداد سلیمی ایفا کرد. سال ۲۰۱۲ بود که فلاحی نژاد به عنوان سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری عراق مشغول به کار شد اما با عود کردن بیماری‌اش نتوانست دوران مربیگری‌اش را ادامه دهد. تیرماه ۹۶ بود که به دلیل عارضه کلیوی در بیمارستان امید بستری شد. او پس از چند روز به بخش منتقل شد اما دوباره به دلیل وخامت حالش به ICU منتقل گردید و یکی از پرستاران بخش



کاظم ساریخانی

۳

کاظم ساریخانی قهرمان آسیا مرگ تلخ و دردناکی داشت. ساریخانی در دوران قهرمانی‌اش در جودوی جهان در اجرای فن گهواره از تبحر خاصی برخوردار بود و مدال برنز ۷۱ کیلوگرم قهرمانی آسیا ۱۹۹۶، مدال برنز ۸۱ کیلوگرم بازی‌های آسیایی ۱۹۹۸، مدال نقره ۸۱ کیلوگرم در قهرمانی آسیا ۱۹۹۹، مدال طلای ۸۱ کیلوگرم در قهرمانی آسیا ۲۰۰۰ و مقام هفتمی وزن ۸۱ کیلوگرم بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی او را به عنوان یک ستاره در جودو مطرح کرد.

ساریخانی در زمان ریاست دوره اول درخشان در جودو پس از مذاکره فدراسیون‌های جودوی ایران و عربستان راهی ریاض شد تا سرمربیگری این تیم را بر عهده گیرد اما به یکباره و در حادثه‌ای عجیب از سوی افرادی ناشناس بیمار شده و مدت‌ها در بیمارستان بستری شد.

وی درباره این اتفاق گفته بود: سال ۸۶ و طبق توافقی که شده بود من به ریاض رفتم تا سرمربی تیم ملی عربستان شوم اما چند نفر قصد جان من را کردند، هم غذایم را مسموم کردند و هم در یک درگیری ساختگی در یک لحظه به من آمپولی تزریق کردند که بعد از آن دیگر نفهمیدم چه شد. تنها چیزی که از آن حادثه یادمانده

این است که آن مسائل باعث شد من حدود ۳ سال در بیمارستان روانی در تهران بستری باشم. مشخص نشد مقصر اصلی اتفاق که بود. تنهایی دانم که هیچ‌یک از مسئولان که در رفتن من به عربستان دخیل بودند به من نگفتند که نباید به آنجا بروم و یا اگر رفتم، بیشتر مراقبت کنم.

ساریخانی بعد از این اتفاق از جامعه طرد شد و با توجه به عدم توجه و داشتن شغل، نتوانست از پس هزینه‌های زندگی در تهران بر بیاید، به یزد مهاجرت کرد تا در کنار خانواده خود زندگی کند.

او سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی و پراثر ضایعه مغزی در ۱۸ مهرماه ۹۲ در سن ۳۵ سالگی بیمارستان فیروزآبادی شهری فوت کرد.